

تلویزیون

امید بنکدار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

معرفی کرده، اندیشه و کردار آنان را درست یا غلط برایمان تصویر کند. می‌تواند به خاطره‌هایمان جاودانگی بخشد یا چشمانمان را به آینده خیره سازد. می‌تواند پلیدیها را نیک جلوه دهد و نیکبها را پلید، آلودگیها را پالوده و آشفته‌گیها را آسوده سازد. تلویزیون می‌تواند همه آن چیزهایی باشد که می‌دانیم؛ یا همه آنچه که خواهیم دانست یا می‌خواهیم بدانیم. تلویزیون می‌تواند همه من و ما باشد و می‌تواند هیچیک از ما نباشد. می‌تواند همه رنگ یا بیرنگی محض باشد. با تلویزیون از اوضاع جهان آگاه می‌شویم، طبیعت و رنگها را می‌بینیم و ملتها و نژادهای مختلف را می‌شناسیم. صحرائشینان جنوب، چشم اندازهای جنگل شمال را و کوه نشینان، پهنة افق دشت را در

تلویزیون چیست؟ رسانه‌یی که اکنون سی و هفت سال از عمرش در این کشور می‌گذرد، در چه مسیری گام برداشته است؟ رسانه‌یی که می‌تواند پشتوانه محکمی برای فرهنگ دینی، ملی و سنتی ما باشد، آیا اکنون توانسته است رسالت خود را به مرحله اجرا بگذارد؟ رسانه‌یی که امروزه، ملموس‌ترین و قابل دسترس‌ترین وسیله برای ارتباط با مخاطبین است و در هر خانه‌یی حتی در دورافتاده‌ترین روستاها پا گذاشته، چه چیزهایی می‌تواند به مردم عرضه کند؟ تلویزیون به ما چگونه دیدن و چگونه اندیشیدن می‌آموزد. می‌تواند به اصالت زبان، فرهنگ و سنت ما، خدمت یا خیانت کند. می‌تواند توده مردم را نسبت به هنرها بی‌میل یا علاقه مند کند. می‌تواند بزرگان، هنرمندان و صاحب‌نظران را به ما

تلویزیون تماشا می کنند. چه بسیار کودکان شهری که اولین برخورد و شناخت آنها با طبیعت، دریا و حیوانات توسط تلویزیون شکل می گیرد و چه بسیار کودکان روستایی که معماری و زندگی شهری را با تلویزیون می شناسند.

تلویزیون می تواند مجرب ترین استاد برای آموزش باشد. با تلویزیون می توان دهها رشته علمی، هنری و صدها صنعت و فن را آموخت. می توان با زبانها و فرهنگهای مختلف آشنا شد و می توان از دریچه تلویزیون به دنیای گسترده ارتباطات راه یافت. تلویزیون وسیله بی است که طیف بسیار گسترده بی از افشار اجتماع را زیر پوشش می گیرد و به همین رو، می توان عامل بزرگی برای ارائه، اشاعه و تبلیغ موضوعات سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک باشد. با تلویزیون می توان اندیشه بی را قبولاند یا مدموم کرد. با تلویزیون می توان دریچه ای را گشود یا مسدود کرد.

در یک نگاه کلی تر به تلویزیون، باید دید و اندیشید که مادر این سی و هفت سال چه کرده ایم؟ محاسن و غفلتهایمان در چه نقاطی شکل گرفته و بسط یافته است؟ آیا تلویزیون در جهت پیشبرد فرهنگ ما گام برمی دارد؟ یا اگر جز این است، چگونه می توان به سوی این هدف متعالی حرکت کرد؟ امروز، زمان آن نیست که به تلویزیون تنها با دید یک وسیله تفریحی نگاه کنیم. در قرنی زندگی می کنیم که برنامه های تفریحی و سرگرم کننده، می توانند ارائه دهنده پیامهای اجتماعی، عقیدتی و آموزشی باشند. آیا جز این است که حتی ضعیف ترین برنامه های انیمیشن و عروسکی غرب، مبلغ و پرچم دار فرهنگ و دیدگاه غربی است؟ به یاد بیاوریم، در کشوری مثل ایران با پشتوانه استوار فرهنگی و وجود ادبیات بسیار غنی و حضور شاهنامه و اسطوره هایی چون رستم و سهراب، قهرمانها و اسطوره هایی مانند سوهرمن ها و بت من ها، برای اولین بار توسط چنین برنامه هایی به کشور ما راه یافتند. امروزه، پخش یک برنامه پنج دقیقه بی برای کودکان، می تواند مضرترین عامل تربیتی باشد و شاید پخش یک برنامه یک دقیقه بی سودمندترین و مؤثرترین عامل. از این روست که تلویزیون، مدیران و گردانندگان آن- برنامه سازان و برنامه ها- مخاطبین و تأثیر و تأثر آنها در عرصه اجتماع، سیاست و موقعیت کشور در جهان، جملگی اهمیتی مضاعف می یابد و حساسیتی شدید می طلبد با اهمیت این نکته که مخاطبین از تلویزیون چه می خواهند و تلویزیون به مخاطبین چه عرضه می کند. تلویزیون نا چه حد سلیقه مخاطبین را تأمین می کند و این که اصولاً، آیا فقط

باید آنچه را که مخاطب می طلبد به او ارائه داد، یا این که با تنوع برنامه ها به او فرهنگ «دیدن» آموخت و سطح سلیقه او را بالا برد؟ و این که تلویزیون با چه میزانی باید میان تأمین سلیقه مخاطبین خود و عرضه برنامه های فرهنگی تعادل برقرار کند؟

تلویزیون، تنها وسیله بی است که می تواند مخرب ترین عیب فرهنگی یا سودمندترین ابزار آموزشی باشد. می تواند کارآمدترین یا مضرترین پل ارتباطی میان سراسر جهان باشد. آیا باید از آن پرهیز کرد یا از آن استقبال نمود؟ بحث درباره تلویزیون، بایدها و نبایدها، شایدها و نشایدها، آن قدر پیچیده و دشوار می نماید که از حدود تحقیق یک فرد و گنجایش یک مقاله و یک نشریه خارج است. اما اهمیت این رسانه بخصوص امروزه در شرایطی که ماهواره های شرق و غرب، جهان را تحت پوشش خود می گیرند، محاسن و کاستیها، دشواریها و محدودیتها، همه و همه این ضرورت را ایجاب می کنند تا یک بار دیگر، به تلویزیون نگاه کنیم. اما این بار، تنها به صفحه جادویی آن خیره نمی شویم. بلکه اندکی ژرفتر به آن می نگریم؛ به جایگاه آن در عرصه فرهنگ کشور و موقعیت آن در ایران و جهان. در این شماره برای آغاز، طبق سنت همیشه و هنوز، نگاهی خواهیم داشت به تاریخچه مختصر پیدایش آن.

پیشینه

ملتها پیش از پیدایش تلویزیون، در سال ۱۳۰۴، اولین ایستگاه فرستنده رادیویی جهت تعلیم نیروی انسانی در وزارت جنگ، تحت عنوان «بی سیم قشون کل» تأسیس شد. بدنبال اقدامات سریع و بلندپروازانه رضا شاه برای الگوبرداری از غرب، پس از یک سال در ساعت سه بعدازظهر روز ششم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵، اولین ایستگاه رادیویی عمومی، تحت عنوان «بی سیم پهلوی» گشایش یافت. این فرستنده ۲۰ کیلووات قدرت و دکلی به طول یکصد و بیست متر داشت که منطقه محدودی را تحت پوشش می گرفت. در ابتدا، نخستین برنامه های رادیو بصورت زنده پخش می شد و برنامه ها، شامل اخبار به زبانهای فارسی، انگلیسی، آلمانی، عربی، ترکی و روسی بود و بعلت برنامه ریزی شتابزده، بخش اعظم برنامه های رادیو را موسیقی ایرانی و غربی تشکیل می داد.

در سال ۱۳۱۶، سه دستگاه فرستنده رادیویی موج کوتاه و متوسط و ساختمانهای موردنیاز برای تأسیسات رادیویی توسط وزارت پست و تلگراف احداث شد و مورد بهره برداری قرار

گرفت. در آن زمان، همچنان مشکل عدم برنامه ریزی وجود داشت. تا اینکه در سال ۱۳۱۷، برای ایجاد برنامه های رادیویی، سازمانی تحت عنوان «سازمان پرورش افکار» گشایش یافت که از کمیسیونهای مختلفی تشکیل شده بود. رئیس کمیسیون رادیویی سازمان، سرتیپ امیر خسروی (وزیر دارایی وقت) برنامه سازی رادیو را عهده دار شد و از تعدادی نویسندگان و صاحب نظران از قبیل حجازی، سعید نفیسی و ملک الشعرای بهار دعوت کرد تا در تهیه برنامه ها مشارکت داشته باشند. رئیس کمیسیون موسیقی سازمان، سرگرد مین باشیان (رئیس اداره موسیقی وقت) از نیمه دوم سال ۱۳۱۸، تهیه و تنظیم موسیقی رادیو را به عهده گرفت. مرتضی محجوبی، مرتضی نی داوود، حبیب سماعی، موسی معروفی، ابوالحسن صبا، مهدی خالیدی، حسین نهرانی و حسین یاحقی از اولین نوازندگان رادیو و تاج اصفهانی، قمرالملوک وزیری، بدیع زاده و ملوک ضرابی از اولین خوانندگان رادیو بودند. این گروه با همراهی عده ای از هنرمندان جوان، دو دسته ارکستر ایرانی را تشکیل دادند که رهبری دو گروه را ابوالحسن صبا و مرتضی محجوبی به عهده داشتند.

نخستین ایستگاه فرستنده رادیویی کشور در روز چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ شروع به کار کرد و از آن پس، سازمان رادیو بتدریج، رو به گسترش نهاد. در سال ۱۳۲۷، نخستین استودیو رادیویی تأسیس شد که در واقع پس از اتاق غیراستانداردی که در زمان افتتاح رادیو به عنوان استودیو مورد استفاده قرار می گرفت، اولین استودیو حرفه ای پخش صدا بود. در سال ۱۳۳۵، طرح تأسیس اولین ایستگاه فرستنده تلویزیونی ایران توسط فردی به نام حبیب اله ثابت معروف به «ثابت پاسال» به دولت پیشنهاد شد. در هفته نامه فردوسی، مورخه یازدهم دیماه ۱۳۳۵ در مقاله ای تحت عنوان «جام جهان نما (یا جام جم)» که قرار است این روزها به تهران وارد شود آمده است:

هفته گذشته هیئت دولت موافقت خود را با احداث ایستگاه تلویزیون در تهران اعلام کرد و شرکت ثابت پاسال، که صاحب کارخانه پپی کولاست و امتیاز تأسیس ایستگاه تلویزیون را هم تحصیل کرده در نظر دارد از سال آینده شروع بکند و مقدمات این امر را فراهم آورد. تلویزیون یکی از مفیدترین اختراعاتی است که در نیم قرن اخیر صورت گرفته و تحولات عظیمی را در تمام شئون زندگی جدید ایجاد کرده است. امروز در کشورهای پیشرفته و مترقی، میلیون ها نفر با اشتیاق وافر برنامه های تلویزیون را تماشا می کنند و آن را بهترین سرگرمی و نیکوترین وسیله برای گذراندن وقت می دانند. تلویزیون بر دو نوع است:

نقد سینما - شماره هفتم

یکی تلویزیون رنگی و دیگری تلویزیون سیاه و فرق آن دو با هم مثل فرقی است که بین یک فیلم رنگی با فیلم سیاه و غیررنگی موجود است. تلویزیون کشورهای بزرگ اغلب رنگی است ولی کشورهایایی که تازه اقدام به نصب دستگاه تلویزیون کرده اند تلویزیون سیاه دارند، مثلاً تلویزیون عراق که چند ماه پیش شروع بکار کرد سیاه می باشد. تلویزیونی که در تهران بکار خواهد افتاد نیز سیاه خواهد بود. *

از پیشگامان تلویزیون، می توان افرادی چون بوریس روزنیکف روسی، نیکو آلمانی، ویلر آمریکایی و جان موجربرد انگلیسی (که در سال ۱۹۲۶، اولین دستگاه تلویزیون را که شکلی بسیار ابتدایی داشت، اختراع کرد) را نام برد. ولی تلویزیون به صورت فعلی، برای اولین بار در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) در آمریکا مورد بهره برداری قرار گرفت. پس از پیدایش تلویزیون و امکان تماشای آن در خانه ها، مشتریان سینما، یکباره کاهش یافتند و سینما با رقیب سرسخت و خطرناکی رو به رو شد. این رقابت تنگاتنگ پیشرفتهای تکنولوژی را برای طرفین به دنبال داشت. در ابتدا، بعلت محدودیت امکانات، برنامه های تلویزیون به صورت زنده، پخش می شد و طبیعتاً این محدودیت، خود محدودیتهای دیگری از جهت عدم امکان برنامه سازی، پایین بودن کیفیت برنامه ها و یکنواختی آنها را به دنبال داشت. این یکنواختی، مردم را دوباره به سالنهای سینما که با سلاح پرده های عریض و رنگین به رقابت با تلویزیون برخاسته بودند، کشاند و بار دیگر، قصه های عاشقانه و ملودرامهای هالیوودی رونق گرفتند.

در ابتدا، بیشتر برنامه های تلویزیون را موسیقی - خبر و گفت و گو تشکیل می داد. تا این که برای پیشبرد کیفی برنامه ها و بر اثر پیشرفت تدریجی تکنولوژی در سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) نوار مغناطیسی مورد استفاده قرار گرفت و امکان ضبط برنامه ها پدید آمد. این امکان، موجب شد تا تنوع کیفیت برنامه ها سیر صعودی بیسپایند و در سال ۱۹۵۷، رنگ به عنوان آخرین برگ برنده به صفحه های تلویزیون راه یافت.

در ساعت پنج بعدازظهر جمعه یازدهم مهر ماه سال ۱۳۳۷، یعنی ده سال پس از پیدایش تلویزیون در غرب، تلویزیون ایران پخش نخستین برنامه خود را آغاز کرد. این تلویزیون که توسط ثابت پاسال در تهران راه اندازی شده بود، در تیرماه همان سال، توسط مجلس شورای ملی به تصویب و امکان بهره برداری رسیده بود و کلیه برنامه های این فرستنده، تحت نظارت اداره کل انتشارات قرار داشت. این تلویزیون که توسط بخش خصوصی اداره می شد، مخارج خود را از طریق تبلیغات و آگهیهای تجارتي تأمین می کرد و هر روز از شش تا ده بعدازظهر به پخش برنامه

می پرداخت. پس از یک سال، این سازمان برنامه های خود را در تهران به پنج ساعت در روز افزایش داد و سه سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۰، یک فرستنده در آبادان و یک فرستنده تقویتی در اهواز تأسیس کرد. پس از چندی در سال ۱۳۴۳، برای تأسیس یک تلویزیون ملی، یک گروه فرانسوی به درخواست دولت از جانب سازمان برنامه و بودجه، مأموریت طراحی مرکز تلویزیونی را عهده دار شدند و پس از چهار ماه، ساختمان کوچکی احداث کردند و بخش برنامه های آزمایشی با امکاناتی محدود و ابتدایی در سال ۱۳۴۵، آغاز شد. تلویزیون ملی ایران با حداقل شرایط و امکانات فنی که به یک استودیو، سه دوربین و دو دستگاه ضبط مغناطیسی محدود می شد، شروع به کار کرد و در اسفند ماه همان سال به طور رسمی، گشایش یافت.

قدرت اولین فرستنده تلویزیون ملی ده کیلو وات بود که با احتساب یک فرستنده ذخیره به حداکثر دوازده کیلو وات می رسید. چون فرستنده تلویزیون ملی با سیستم ۵۲۵ خطی آمریکایی کار می کرد و سیستم تلویزیون ایران (بخش خصوصی) ۶۲۵ خطی اروپایی بود، تلویزیون ملی یک فرستنده دو کیلوواتی با سیستم ۶۲۵ آمریکایی تعبیه کرد تا مردم بدون نیاز به دستگاه مبدل، بتوانند از برنامه های تلویزیون ملی استفاده کنند. از اولین دستگاههای گیرنده تلویزیون در ایران، تلویزیونهای سیاه و سفید شاولورنس بود که مدتی از عمر آنها می گذشت. نخستین پایه گذاران تلویزیون، افرادی چون فرخ غفاری، سیروس هدایت، ایرج گرگین، منوچهر اولیایی و منوچهر عسگری نسب بودند. بدنبال توسعه تدریجی تلویزیون در مرداد ماه ۱۳۴۷، نخستین مرکز تلویزیون ملی شهرستان در ارومیه گشایش یافت و آبان ماه همان سال، مرکز تلویزیون بندرعباس راه اندازی شد. با توجه به عدم انسجام برنامه ریزی دولت وقت، هزینه راه اندازی این مراکز از طریق صرفه جویی های سازمان و کمکهای اهالی این دو شهر تأمین شد. مرکز تلویزیون فارس در آبان ماه ۱۳۴۸ و مرکز تلویزیون گیلان و مازندران و کرمانشاه در ۱۳۴۹ و مرکز تلویزیون تبریز در فروردین ۱۳۵۰، شروع به کار کردند. در سال ۱۳۵۰، یعنی پنج سال پس از تأسیس تلویزیون ملی ایران، طرح ادغام رادیو و تلویزیون ملی ایران به انجام رسید و «سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران» تشکیل شد. تلویزیون ملی برای دریافت تصاویر ماهواره یی، شبکه مخابراتی مایکروویو را تکمیل و به تدریج، ماهواره مخابراتی اسدآباد همدان، امکان تبادل برنامه های تلویزیونی با ایستگاههای خارجی را ایجاد کرد. پرواز سفینه های فضایی و مسابقات المپیک، اولین برنامه هایی بودند که بطور مستقیم از تلویزیون پخش شدند. تلویزیون ملی

ایران با استفاده از خطوط مایکروویو، توانست از شبکه پست و مخابرات و تلفن برای انتقال صدا و تصویر خود بهره گیرد. اما به خاطر شرایط جغرافیایی ایران و موانع طبیعی، پوشش سراسر ایران با خطوط مایکروویو، میسر نبود. به همین خاطر، تلویزیون برای اولین بار در استان سیستان و بلوچستان از سیستم بالن استفاده کرد. پس از چندی، تلویزیون ایران به سازمان تلویزیون ملی پیوست و چون برنامه دوم تلویزیون کاربرد کمتری داشت، گردانندگان سازمان بر آن شدند تا برنامه دوم تلویزیون را به مجموعه بی برای هنرمندان و هنردوستان اختصاص دهند و فرستنده تلویزیون از سیستم ۵۲۵ خطی به ۶۲۵ خطی تبدیل شد. در سال ۱۳۵۵، نوزده سال پس از پیدایش تلویزیون رنگی، اولین پخش رنگی تلویزیون در ایران (در شبکه دوم که پس از تغییرات مقتضی با تصمیمات گردانندگان شروع به کار کرده بود) آغاز شد. برنامه دوم تلویزیون، هر روز، ساعت ۷:۳۰ تا ۱۱:۳۰ بعد از ظهر پخش می شد.

برنامه های شبکه سوم یا تلویزیون آمریکا که توسط آمریکاییها اداره می شد، سالها به پخش برنامه های انگلیسی زبان اشتغال داشت. تا در سال ۱۳۵۵، این تلویزیون تعطیل شد و پخش برنامه های بین المللی تلویزیون ملی ایران آغاز شد که بطور منقطع و پراکنده، برنامه پخش می کرد و به تدریج، تعطیل شد. برنامه های شبکه اول و دوم، همچنان با وجود تغییرات، مقتضی به کار خود ادامه می دادند با این که پس از انقلاب اسلامی بنا به مقتضیات و نیازهای فرهنگی و احترام به معتقدات مذهبی جامعه، تغییرات کمی و کیفی در برنامه های تلویزیون شکل گرفت، در یادداشتهای بعد، به سیستم برنامه سازی تلویزیون، تغییرات ارزشها و جنبه های مخاطب شناسی آن خواهیم پرداخت. □

